

بررسی رابطه‌ی توزیع درآمد با وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی (استان اردبیل)

زهرا اسماعیلی^۱، دکتر ابوالقاسم نادری^۲، دکتر علی نقی خرازی^۳

۱. کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

فصلنامه ایده‌های نو در تعلیم و تربیت، دوره دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۱، صفحات ۲۳-۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۳۱

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی بین توزیع درآمد با وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل پرداخته است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی افراد بزرگسال مناطق شهری استان اردبیل طی سال‌های ۸۹-۸۰ می‌باشد. پژوهش حاضر توصیفی، غیرآزمایشی و کاربردی می‌باشد. متغیرهای پژوهش حاضر توزیع درآمد و وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی می‌باشد که به منظور مشخص کردن وضعیت متغیرهای مذکور، از منابع مرکز آمار ایران استفاده شده است. به منظور بررسی وضعیت هر کدام از این متغیرها از شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل این شاخص‌ها نشان می‌دهد که وضعیت توزیع درآمد بین شهروندان استان اردبیل طی سال‌های ۸۹-۸۰ نابرابر می‌باشد. همچنین وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان از سال ۸۰ تا سال ۸۹ بهبود پیدا کرده است ولی هم‌چنان توزیع بهره‌مندی از آموزش عالی بین دهک‌های مختلف درآمدی نابرابر می‌باشد. هم‌چنین بین وضعیت توزیع درآمد با بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد؛ در حقیقت افرادی که دارای درآمد بالاتری باشند از بهره‌مندی آموزش عالی نیز برخوردارند. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های اکثر تحقیقات مرتبط همسو می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: نابرابری، آموزش عالی، توزیع درآمد.

فصلنامه ایده‌های نو در تعلیم و تربیت، دوره دوم، شماره چهارم، پاییز ۱۴۰۱

مقدمه

انسان امروز در دورانی از تاریخ بشری قرار گرفته است که نتایج علمی و تأثیر پیشرفت های علمی در تمام شئون زندگی بشر نمود پیدا کرده است. دوران معاصر دورانی است که بشر شاهد تغییر و تحولات سریع در پیرامون خود بوده است. دانایی چه به عنوان یکی از حقوق بشر (حق شهروندان برای دانستن) در جهت خود شکوفایی فردی و انسانی و چه به عنوان پیش شرط اساسی برای توسعه، یکی از چالش های تعیین کننده در مسیر جاری و آتی کشورهای در حال توسعه در جهان معاصر است. مشروعیت دولتهای ملی منوط به پاسخگویی آنها به "حق دانستن شهروندان" و نیز تسهیل گری آنها نسبت به توسعهی دانش است و تنها از این طریق است که بهره وری در سرمایه های انسانی، ایجاد ارزش افزوده ی ملی با استفاده از دانش و بر آمدن از رقابت های رو به ازدیاد جهانی نیز میسر می شود. امروزه آموزش عالی نخبه گرا به آموزش عالی فراگیر تحول یافته است و توسعهی جامعهی یادگیرنده به گسترش کمی و ارتقای کیفی توأمان برخوردار از آموزش در سطوح عالی ماکول شده است (دهقان، پرتو، ۱۳۸۳).

در چشم انداز بلندمدت برنامه ی توسعهی چهارم یکی از محورهای اساسی چشم انداز، توسعهی مبتنی بر دانایی تعیین شده است که به نوبه ی خود مستلزم آموزش مادام العمر و در دسترس همگان، فرصت های برابر آموزشی (آموزش برای همه)، تعمیق کیفیت آموزش های پایه و توسعهی سرمایه ی انسانی با افزایش پوشش آموزش عالی و ایجاد مهارت های پایه و قابلیت های یادگیری چگونه آموختن می باشد؛ بنابراین در یک نظام جهانی که انسان برای مشارکت در امور گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی نیازمند آموزش باکیفیت و برابر می باشد چنانچه از این امر مهم محروم شود فردی فاقد قدرت خواهد بود، لازم است زمینه بهره مندی همه ی استعدادها را از آموزش فراهم ساخت (سند برنامه ی چهارم توسعه، به نقل از سرخ، ۱۳۸۱).

با توجه به این امر که آموزش عالی که سابقاً منحصر به پرورش تعدادی از نخبگان بود گسترش قابل توجهی یافته و به شکل مشارکت بیشتر اقبال مختلف در برخوردار از آموزش دانشگاهی متحول شده است و با توجه به این امر که دولت ها در جهت عدالت آموزشی گام برداشته اند و یکی از شاخص های پیشرفت اجتماعی، آموزش و پرورش و چگونگی بهره مندی از آن می باشد انتظار می رود که میزان برخوردار از سطوح مختلف آموزش عالی بدون توجه به طبقات اجتماعی_ اقتصادی و جنسیت صورت گیرد (یونسکو، ۱۹۹۲، به نقل از بازرگان، ۱۳۷۳). همچنین با توجه به این امر که برابری آموزشی در زمینه ی برابری عدالت اجتماعی نقشی اساسی دارد پرداختن به مقوله ی برابری آموزشی ضروری به نظر می رسد که لازمه ی این امر آگاهی از وضعیت موجود می باشد؛ بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد تا وضعیت نابرابری در بهره مندی آموزش عالی شهروندان بزرگسال استان اردبیل را مشخص کند و از این طریق در بهبود وضعیت بهره مندی آموزشی گام مؤثری بردارد.

مسئله ی نابرابری از جمله مسائل مهم اجتماعی است که گاهی افراد سطحی نگر آن را امری بدیهی و طبیعی تلقی می کنند وعده ای دیگر به عنوان موضوع پیچیده به آن می نگرند. نابرابری ممکن است در توزیع جایگاه های اجتماعی، حقوقی، فرصت ها، پاداش ها، امتیازات و آموزش باشد. از جمله ابعاد برابری در حیطه ی آموزش برابری بهره مندی آموزشی است. مسلماً نمی توان جامعه ای را متصور شد که در آن برابری در بهره مندی آموزشی به طور کامل حاصل شده یا قابل حصول باشد (نادری، ۱۳۸۳). ولی با توجه به این نکته که از جمله اهداف یک کشور رسیدن به سطحی از عدالت و برابری در کشور می باشد لذا پرداختن به مسئله ی بهره مندی آموزشی به طور عام و بهره مندی از آموزش عالی به طور خاص در تدوین سیاست های آموزشی دولت ها از اهمیت زیادی برخوردار است. از جمله عوامل مؤثر در زمینه ی بهره مندی آموزشی افراد وضعیت درآمدی خانوارها می باشد. در حقیقت وضعیت درآمدی خانوارها تصمیم افراد را برای ادامه ی تحصیل در دوره های آموزش عالی تحت تأثیر قرار می دهد. بازرگان (۱۳۷۳) در پژوهشی با عنوان برابری فرصت ها در آموزش عالی که در میان دانشجویان دانشگاه تهران با استفاده از یک نمونه ی طبقه ای تصادفی انجام یافت به این نتیجه رسید که در ترکیب دانشجویان دانشگاه تهران، از نظر منشا اجتماعی و اقتصادی دانشجویان تغییرات چندانی قابل ملاحظه ای نسبت به سال های قبل مشهود نیست. در حالی که بررسی های گذشته در سطح بین المللی نشان داده است که دستیابی گروه های سنی میان سال و مشارکت قشرهای اجتماعی و اقتصادی کمتر بهره مند از آموزش عالی بیشتر شده است.

نادری (۱۳۸۳) بر اساس نتایج آمارگیری اشتغال و بیکاری در سال ۱۳۸۰ در زمینه‌ی توزیع سهم دارندگان تحصیلات عالی بین شاغلین به این نتیجه رسید که نابرابری در توزیع شاغلین دارای تحصیلات عالی بین استان‌های کشور به مراتب بیشتر از نرخ باسوادی می‌باشد. در مجموع نابرابری آموزشی مربوط به سطوح پایین آموزشی کمتر و در سطوح بالای آموزشی (به ویژه تحصیلات دانشگاهی) شدید می‌باشد. کاظمی و زمانیان (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان به این نتیجه رسیدند که ضرایب جینی به دست آمده در این پژوهش حاکی از آن است که بر میزان نابرابری درآمد خانوارهای شهری استان سیستان و بلوچستان افزوده شده و این نابرابری بیشتر در بین اقشار مرفه به چشم می‌خورد. قارون (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان بررسی مقایسه‌ای تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی خانوار بر تقاضای ورود به آموزش عالی به این نتیجه رسید که طی سال‌های اخیر تأثیر سطح تحصیلات والدین بر نگرش فرزندان نسبت به وجهه‌ی اجتماعی و احتمالاً چشم‌انداز اقتصادی تحصیلات عالی بیشتر شده است. لذا وضعیت اقتصادی خانوارها بر تصمیم‌گیری افراد برای ادامه‌ی تحصیل تأثیر مثبتی دارد؛ بنابراین افرادی که از خانواده‌های دارای وضعیت اقتصادی بالایی هستند نگرش مثبتی نسبت به ادامه‌ی تحصیل در سطوح آموزش عالی دارند. این نکته اهمیت بارز انتقال سرمایه‌ی بین نسلی و لزوم توجه به توسعه‌ی آموزش برای نگهداشت سطح سرمایه‌ی انسانی نسل‌های آتی را نشان می‌دهد. فراست خواه (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران به این نتیجه رسید که میان وضع موجود دسترسی به آموزش عالی در ایران در ابعاد کمی و کیفی با مبانی نظری و معیارهای جهانی، فاصله‌ی زیادی وجود دارد که حاکی از ضرورت ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در جامعه است و این امر مستلزم سیاست‌هایی از قبیل: تنوع بخشیدن به منابع مالی و اعتباری آموزش عالی، تنوع بخشیدن به پذیرش دانشگاهی، حمایت از توسعه‌ی منابع انسانی و حمایت از رقابتی شدن آموزش عالی می‌باشد. حسینی و نجفی (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۶-۱۳۶۳) به این نتیجه رسیدند که بین خانوارهای شهری و روستایی ایران طی سال‌های مذکور نابرابری درآمدی وجود دارد. نابرابری درآمد طی سال‌های مذکور کاسته شده ولی این کاهش چندان چشمگیر نمی‌باشد. هم‌چنین نشان داده شده است که نابرابری درآمد بین خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری می‌باشد. هانسن (۱۹۷۰) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر آموزش عالی بر توزیع درآمد به این نکات اشاره کرده است که در چند سال گذشته تقاضا برای آموزش عالی افزایش یافته است، از جمله دلایل تقاضا برای آموزش عالی دستیابی به شغل مناسب‌تر و متناسب با آن دسترسی به وضعیت مالی بهتر می‌باشد. در حقیقت افراد متناسب با افزایش سطح تحصیلات خود زمینه‌ی دستیابی به موقعیت اجتماعی- اقتصادی بهتر و در نتیجه درآمد بهتر را فراهم می‌کنند. وی به این نکته اشاره کرده است که کشورهایی که دارای سطح برابر آموزش عالی هستند دارای نابرابری درآمدی پایین‌تری می‌باشند. فیلد (۱۹۷۵) در مقاله‌ای با عنوان رابطه‌ی توزیع درآمد و آموزش عالی در کشورهای کمتر توسعه یافته به این نکته اشاره کرده است که نابرابری در آموزش عالی با نابرابری در توزیع درآمد رابطه دارد. وی در این مورد سه فرضیه را بیان می‌کند: آموزش عالی با توزیع مجدد درآمد به نفع قشر فقیر جامعه در ارتباط است. سرمایه‌گذاری در آموزش عالی نتایجی غیر از توزیع درآمد را دربر دارد، سومین فرضیه این است که آموزش عالی با یافتن شغل مناسب برای زنان و کسب موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی برای آنان در ارتباط می‌باشد. بینادشی (۲۰۰۲) در یک مطالعه‌ی طولی طی سال‌های ۱۹۷۹_۱۹۹۷ در ایالت متحده، به این نتیجه رسید که نرخ اتمام تحصیلات دانشگاهی برای کودکان خانواده‌های کم‌درآمد متولد ۱۹۸۰ نسبت به گروه‌های متولد شده در سال ۱۹۶۰ تنها ۴ درصد بوده است؛ اما همین نکته در خانواده‌های با درآمد بالا ۱۸ درصد بوده است. وضعیت نابرابری مردان در دستیابی به امکانات آموزشی در سال ۱۹۸۰ نسبت به زنان بهتر بوده است. چراکه خانواده‌هایی که دارای وضعیت اقتصادی بهتری هستند فرزندان دخترشان را برای حضور در آموزش آماده می‌کنند که از جمله مزیت‌های حضور زنان در آموزش بهبود وضعیت توزیع درآمد می‌باشد. تورکینوا (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان مشارکت در آموزش عالی و بازار کار در طی سال‌های ۱۹۹۲-۲۰۰۷ در ایتالیا به این نتیجه رسید که بین منشأ اجتماعی و اقتصادی افراد و مشارکت آن‌ها در آموزش عالی رابطه وجود دارد. میزان سواد والدین در نرخ ثبت نام دانشجویان در دوره‌ی تحصیلات تکمیلی تأثیر دارد. دانشجویانی که والدین تحصیل کرده‌ای دارند و وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به همسالان خود دارند نسبت ثبت نامشان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بیشتر از دانشجویانی است که متعلق به منشأ اجتماعی و اقتصادی پایینی می‌باشند.

نیکولز (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان میزان دستیابی به هدف ۲۰۲۰ در کشور آمریکا بر اساس نابرابری درآمد به این نتیجه رسید که برای اینکه کشور آمریکا بتواند رشد اقتصادی داشته باشد و به قدرت برتر در بازار جهانی تبدیل شود باید جوانان خود را با مهارت، نبوغ و توانایی تفکر انتقادی آشنا سازد. برای رسیدن به این هدف مهم باید به کشوری تبدیل شود که بیشترین تعداد شهروندان خود را وارد دانشگاه نماید. مانعی که در این پژوهش برای رسیدن به این هدف بدان اشاره می‌شود نابرابری در درآمد و وضعیت اقتصادی افراد است؛ به عبارت دیگر شهروندانی که از درآمد پایین تری برخوردار هستند احتمال کمتری در برخورداری از تحصیلات دانشگاهی دارند. داردن و کاوندیش (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان وضع قوانین و مقررات از جانب دولت لازمه ی دسترسی به منابع برابر در مدارس کشورهای اروپایی به این نتیجه رسید که یکی از عوامل شکست مدارس در مناطق کم درآمد تخصیص ناکافی منابع از جمله معلم، کارکنان مدارس، بودجه ی سرانه و برنامه درسی ضعیف می‌باشد. در حقیقت وجود نابرابری امکانات آموزشی بین مناطق مرفه و کم درآمد باعث می‌شود تا دانش آموزان مناطق کم درآمد به امکانات آموزشی دسترسی پیدا نکنند و همین امر زمینه ی شکست این مدارس را فراهم می‌کند؛ بنابراین دولت باید به اجرای سیاست‌هایی اقدام کند تا این نابرابری‌ها را کاهش دهد.

روش پژوهش

جامعه ی آماری عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها که حداقل دارای یک صفت مشترک باشند (سرمد و همکاران، ۱۳۸۲). جامعه ی آماری پژوهش حاضر کلیه ی افراد بزرگسال مناطق شهری استان اردبیل که جزء نمونه‌گیری مرکز آمار ایران در طرح آمارگیری از وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها طی سال‌های ۸۹-۸۰ قرار داشتند، می‌باشد. مرکز آمار ایران همه‌ساله طرح آمارگیری از وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها را در سطح کل کشور اجرا می‌کند و برای این امر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای اقدام به اجرای پرسشنامه ی بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها می‌کند. به توجه به این نکته کلیه ی افراد بزرگسال مناطق شهری استان اردبیل طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۰ که نمونه ی موردنظر در طرح مذکور محسوب می‌شود به عنوان جامعه ی پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. از آنجاکه پژوهش حاضر از نوع توصیفی است و باید وضعیت کلیه ی افراد بزرگسال مناطق شهری استان مورد مطالعه قرار گیرد تعداد جامعه و نمونه باهم برابر می‌باشد. در این تحقیق نتایج آمارگیری از وضعیت هزینه و درآمد خانوارهای ایران در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ که مرکز آمار آن را اجرا کرده است مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به گستردگی جامعه ی ایران، اصولاً با انجام نمونه‌گیری، ویژگی‌های جامعه از ویژگی‌های نمونه استخراج می‌گردد. در این رابطه مرکز آمار ایران اقدام به نمونه‌گیری مختلف می‌نماید که آمارگیری اقتصادی خانوار (درآمد و هزینه ی خانوارها) یکی از آنهاست. روش نمونه‌گیری در بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها در طرح آمارگیری از ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها خوشه‌ای می‌باشد. در پژوهش حاضر کلیه ی افراد بزرگسال مناطق شهری استان اردبیل طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۰ که نمونه ی موردنظر در طرح مذکور محسوب می‌شود به عنوان نمونه ی پژوهش حاضر در نظر گرفته شده است. در واقع تعداد نمونه و جامعه در این پژوهش یکسان می‌باشد. در جدول زیر تعداد نمونه ی خانوارها و همچنین افراد بزرگسال مناطق شهری استان اردبیل که جامعه ی این پژوهش را تشکیل می‌دهند آورده شده است.

جدول ۱. تعداد افراد بزرگسال استان اردبیل طی سال‌های ۸۹-۸۰

سال ۸۹	سال ۸۸	سال ۸۷	سال ۸۶	سال ۸۵	سال ۸۴	سال ۸۳	سال ۸۲	سال ۸۱	سال ۸۰	
۴۹۰	۳۷۰	۵۱۰	۴۷۰	۲۳۰	۳۶۰	۲۸۰	۲۷۰	۵۰۰	۲۴۰	تعداد خانوار
۱۵۷۲	۱۲۶۰	۱۶۱۰	۱۴۹۲	۱۴۹۲	۱۱۹۴	۸۹۷	۷۴۰	۱۵۷۴	۷۵۸	افراد بزرگسال

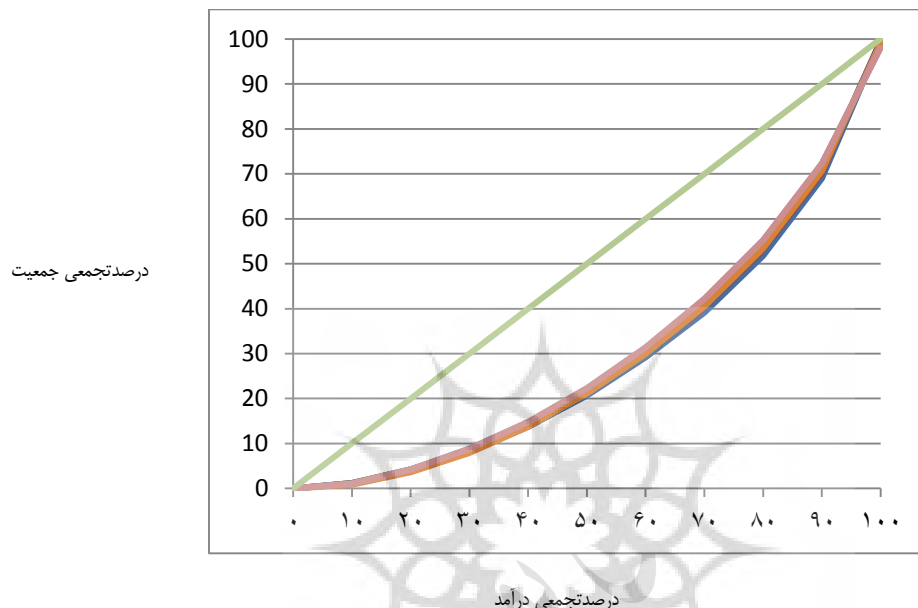
یافته‌ها

در این پژوهش وضعیت اقتصادی خانوارها از دو طریق محاسبه شده است:

✓ از طریق درآمد خالص خانوارها

✓ از طریق هزینه‌ی ناخالص خانوارها

به منظور پاسخگویی به سؤالات مربوط به توزیع درآمد و مشخص کردن وضعیت درآمدی خانوارها از شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز استفاده شده است



نمودار ۱. منحنی لرنز بر اساس ارقام درآمدی خانوارهای شهری استان اردبیل طی سالهای ۸۹-۸۰

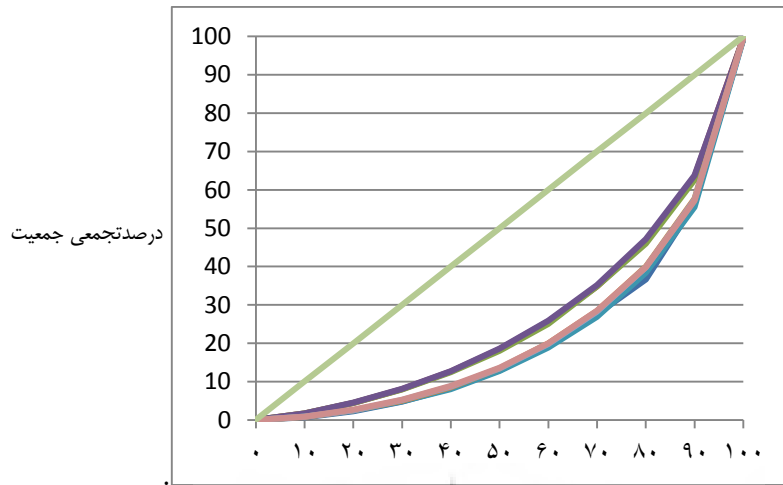
نمودار فوق توزیع درآمد را بین شهروندان استان اردبیل طی سه دوره ی سالی ۸۹-۸۰ سالی نشان می‌دهد. ملاحظه می‌شود که درآمد خالص بین شهروندان استان اردبیل به طور ناعادلانه توزیع شده و وضعیت بهره‌مندی از درآمد بین شهروندان مرفه و ضعیف استان نابرابر می‌باشد. با مشاهده ی منحنی‌های منطبق بر هم می‌توان به این نتیجه رسید که از وضعیت نابرابری توزیع درآمد در طی دوره ی سالی ۸۹-۸۰ کاسته نشده است.

جدول ۲. ضریب جینی محاسبه شده ی درآمد خانوارهای شهری

میانگین متحرک دوره	ضریب جینی درآمد خالص
۸۰-۸۲	۰/۴۱
۸۱-۸۳	۰/۴۲
۸۲-۸۴	۰/۴۲
۸۳-۸۵	۰/۴۱
۸۴-۸۶	۰/۴۱
۸۵-۸۷	۰/۴۰
۸۶-۸۸	۰/۳۹
۸۷-۸۹	۰/۴۰

اطلاعاتی که از ضریب جینی درآمد شهروندان استان اردبیل به دست آمده است حاکی از وجود نابرابری نسبی توزیع درآمد می‌باشد. با توجه به اطلاعاتی که از ضریب جینی درآمد طی سالهای ۸۹-۸۰ به دست آمده است می‌توان به این نتیجه رسید که نابرابری نسبی بین شهروندان استان اردبیل طی سالهای مذکور علی‌رغم نوسانات اندک ثابت مانده است.

نمودار زیر توزیع هزینه را بین شهروندان استان اردبیل طی دوره ی سالی ۸۹-۸۰ نشان می دهد. ملاحظه می شود که هزینه ی ناخالص بین شهروندان استان اردبیل به طور ناعادلانه توزیع شده و وضعیت بهره مندی از هزینه بین شهروندان مرفه و ضعیف استان نابرابر می باشد. هم چنین در این نمودار نشان داده شده است که میزان نابرابری طی دوره ی سالی ۸۹-۸۰ علی رغم نوسانات اندک هم چنان نابرابر می باشد.



درصد تجمعی هزینه

با توجه به اطلاعاتی که از ضریب جینی هزینه ی خانوارهای شهری استان اردبیل به دست آمده است می توان به این نتیجه رسید که نابرابری توزیع هزینه بین خانوارهای شهری استان اردبیل از سال ۸۰ تا سال ۸۹ دارای نوسانات بوده و طی دوره ای کاهش پیدا کرده است ولی هم چنان نابرابری توزیع هزینه بین شهروندان استان اردبیل ثابت مانده است.

جدول ۳. ضریب جینی هزینه ی ناخالص شهروندان استان اردبیل

ضریب جینی هزینه ی ناخالص	میانگین متحرک دوره
۰/۵۶	۸۰-۸۲
۰/۴۶	۸۱-۸۳
۰/۴۶	۸۲-۸۴
۰/۳۹	۸۳-۸۵
۰/۵۶	۸۴-۸۶
۰/۵۴	۸۵-۸۷
۰/۵۴	۸۶-۸۸
۰/۵۴	۸۷-۸۹

به منظور مشخص کردن وضعیت توزیع آموزش عالی شهروندان استان اردبیل طی سال های ۸۹-۸۰ از توزیع متوسط سال تحصیلی و سهم آموزش عالی دهک های مختلف درآمدی، درصد تجمعی بهره مندی از آموزش عالی و شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز استفاده شده است. به منظور ترسیم منحنی لرنز ابتدا باید درصد تراکمی بهره مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل محاسبه شده و در محور افقی منحنی درصد تجمعی جمعیت و در محور عمودی درصد تجمعی بهره مندی از آموزش عالی شهروندان قرار داده شود.

نمودار فوق توزیع بهره مندی از آموزش عالی را بین شهروندان استان اردبیل طی دوره ی سالی ۸۹-۸۰ نشان می دهد. ملاحظه می شود که میزان بهره مندی شهروندان از آموزش عالی به صورت نابرابر و عمدتاً نصیب خانواده های غنی و ثروتمند شده است. البته با مقایسه ی نمودارها در دوره های سالی می توان به این نتیجه رسید که وضعیت نابرابری بهره مندی از آموزش عالی در استان اردبیل از سال ۸۰ تا سال ۸۹ کاهش یافته است و افرادی که متعلق به قشرهای کم درآمد جامعه هستند وضعیت آموزشی بهتری نسبت به سال ۸۰ دارند. منحنی هایی که نزدیک به خط برابری کامل قرار دارند نشان دهنده ی این امر می باشند.

همان طور که در جدول زیر مشخص می باشد از سال ۸۰ تا سال ۸۹ از وضعیت نابرابری آموزش عالی در بین شهروندان استان اردبیل کاسته شده است. در حقیقت از میزان نابرابری در دسترسی به آموزش عالی کاسته شده است؛ ولی همچنان بهره مندی از آموزش عالی بین گروه های مختلف درآمدی به صورت برابر توزیع نشده است؛ بنابراین بر اساس داده های حاصل از دو ملاک سنجی وضعیت می توان به این نتیجه رسید که وضعیت نابرابری بهره مندی از آموزش عالی در استان اردبیل از سال ۸۰ تا سال ۸۹ کاهش یافته است و در دوره های سالی انتهایی افرادی که متعلق به قشرهای کم درآمد جامعه هستند وضعیت آموزشی بهتری نسبت به دوره های قبل دارند.

جدول ۴. ضریب جینی بهره مندی از آموزش عالی شهروندان

ضریب جینی	میانگین متحرک دوره
-/۵۴	۸۰-۸۲
-/۵۶	۸۱-۸۳
-/۴۲	۸۲-۸۴
-/۳۰	۸۳-۸۵
-/۳۴	۸۴-۸۶
-/۳۵	۸۵-۸۷
-/۲۱	۸۶-۸۸
-/۲۰	۸۷-۸۹

بر اساس محاسباتی که در مورد توزیع بهره مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل صورت گرفت می توان به این نتیجه رسید که توزیع بهره مندی از آموزش عالی بین شهروندان استان به صورت نابرابر می باشد و بیشترین درصد بهره مندی از آموزش عالی متعلق به اقشار مرفه جامعه می باشد و بین توزیع درآمد با بهره مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل رابطه ی معناداری وجود دارد. در حقیقت افرادی که دارای درآمد بالاتر می باشند و جزء اقشار مرفه جامعه محسوب می شوند بهره مندی آموزشی بهتری نسبت به اقشار ضعیف جامعه دارند. بر اساس محاسبات ضریب جینی، طی سال های ۸۰-۸۹ از میزان نابرابری آموزش عالی شهروندان استان اردبیل کاسته شده است. در حقیقت افرادی که متعلق به قشرهای کم درآمد جامعه هستند وضعیت آموزشی بهتری نسبت به سال های ابتدایی دارند.

جدول ۵. رابطه ی بهره مندی از آموزش عالی با توزیع درآمد شهروندان استان اردبیل

شاخص آماری	آزمون همبستگی پیرسون	سطح معناداری
بهره مندی از آموزش عالی توزیع درآمد	۰/۸۹۸	۰/۰۰۰
بهره مندی از آموزش عالی توزیع هزینه	۰/۸۷۵	۰/۰۰۰

در پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه ی بهره مندی از آموزش عالی با توزیع درآمد شهروندان استان اردبیل از سهم بهره مندی از آموزش عالی و سهم توزیع درآمد و توزیع هزینه ی شهروندان استان طی میانگین سالی ۸۹-۸۰ استفاده گردید. بدین منظور سهم بهره مندی از آموزش عالی از دهک اول تا دهک دهم هر دوره ی سالی با سهم توزیع درآمد و سهم توزیع هزینه ی همان دهک ها محاسبه و همبستگی بین سهم بهره مندی از آموزش عالی با سهم توزیع درآمد و توزیع هزینه ی شهروندان محاسبه شد. بدین منظور از آزمون همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین توزیع درآمد و بهره مندی از آموزش عالی و توزیع هزینه ی شهروندان استان اردبیل با بهره مندی از آموزش عالی شهروندان در سطح ۰/۰۱ رابطه ی معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر بین توزیع درآمد و بهره مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل به میزان ۰/۸۹۸ و هم چنین بین توزیع هزینه و بهره مندی از آموزش عالی به میزان ۰/۸۷۵ رابطه ی مستقیم وجود دارد؛ در حقیقت افرادی که دارای درآمد بالاتر می باشند و جزء اقشار مرفه جامعه محسوب می شوند و میزان بیشتری از درآمد خالص را به خود اختصاص داده اند بهره مندی آموزشی بهتری نسبت به اقشار ضعیف جامعه دارند.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که توزیع درآمد بین شهروندان استان اردبیل طی سال‌های ۸۹-۸۰ به صورت نابرابر می‌باشد. در حقیقت خانوارهایی که در دهک‌های نهم و دهم که ۲۰ درصد قشر مرفه جامعه را تشکیل می‌دهند بیشترین درصد درآمد خالص را طی سال‌های مذکور به خود اختصاص داده‌اند؛ و هم‌چنین سهم دهک‌های پایین درآمدی از درآمد خالص نسبت به دهک‌های بالا کمتر می‌باشد و بیشترین درصد درآمد متعلق به دهک‌های نهم و دهم که ۲۰ درصد قشر مرفه جامعه را تشکیل می‌دهند می‌باشد. نتایج این یافته با یافته‌های کاظمی و زمانیان (۱۳۸۴) همخوانی دارد. در این پژوهش نشان داده شده است که بر میزان نابرابری درآمد خانوارهای شهری استان سیستان و بلوچستان افزوده شده و این نابرابری بیشتر در بین اقشار مرفه به چشم می‌خورد. بررسی‌های شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز در پژوهش حاضر مبین این امر می‌باشد که وضعیت نابرابری توزیع درآمد طی سال‌های مذکور بین شهروندان استان اردبیل ثابت مانده است و توزیع درآمد بین شهروندان عادلانه نیست، در واقع با توجه به اطلاعاتی که از ضریب جینی درآمد طی سال‌های ۸۹-۸۰ به دست آمده است می‌توان به این نتیجه رسید که نابرابری نسبی بین شهروندان استان اردبیل طی سال‌های مذکور علی‌رغم نوسانات اندک ثابت مانده است. از جمله دلایل احتمالی مربوط به نابرابری درآمد شهروندان استان اردبیل می‌توان به نوع شغل افراد و میزان تحصیلات آن‌ها اشاره کرد. چراکه میزان درآمد افراد در هر جامعه‌ای وابسته به نوع شغل آن‌ها می‌باشد. احتمال می‌رود در جامعه‌ی حاضر افرادی که دارای درآمد بالا می‌باشند و در دهک‌های مرفه جامعه قرار دارند دارای مشاغل پردرآمدتر و سطح تحصیلات بهتری نسبت به اقشار کم‌درآمد جامعه می‌باشند. طبیعتاً بر اساس میزان درآمد افراد در هر جامعه‌ای نابرابری وجود خواهد داشت.

هزینه‌ی ناخالص در حقیقت مجموع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی شهروندان استان اردبیل می‌باشد. در ارتباط با پژوهش حاضر یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که توزیع هزینه بین شهروندان استان اردبیل طی سال‌های ۸۹-۸۰ به صورت نابرابر می‌باشد. در حقیقت خانوارهایی که در دهک‌های نهم و دهم که ۲۰ درصد قشر مرفه جامعه را تشکیل می‌دهند، قرار دارند بیشترین هزینه‌ی ناخالص را طی سال‌های مذکور به خود اختصاص داده‌اند؛ و هم‌چنین سهم دهک‌های پایین درآمدی از هزینه‌ی ناخالص نسبت به دهک‌های بالا کمتر می‌باشد. نتایج این یافته با یافته‌های کاظمی و زمانیان (۱۳۸۴)، حسینی، نجفی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. در پژوهش‌های مذکور نشان داده شده است که بین خانوارهای شهری و روستایی ایران طی سال‌های مذکور نابرابری درآمدی وجود دارد. نابرابری درآمد طی سال‌های مذکور کاسته شده ولی این کاهش چندان چشمگیر نمی‌باشد. در پژوهش حاضر بررسی‌های شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز مبین این امر می‌باشد که میزان نابرابری توزیع هزینه طی سال‌های مذکور بین شهروندان استان اردبیل دارای نوسان بوده و توزیع هزینه بین شهروندان عادلانه نیست و به صورت نابرابر می‌باشد. احتمال می‌رود افرادی که در دهک‌های مرفه جامعه قرار دارند دارای سطوح تحصیلی بالاتر، مشاغل پردرآمد و به تبع آن دارای درآمد بالاتر می‌باشند. افرادی که دارای مشاغل پردرآمد هستند در تأمین مخارج خانواده و هزینه‌های احتمالی خانواده محدودیتی ندارند و همین امر زمینه‌ی نابرابری در توزیع هزینه را فراهم می‌کند.

بهره‌مندی از آموزش عالی سطوح تحصیلی است که افراد در دهک‌های مختلف درآمدی توانسته‌اند بدان دست پیدا بکنند. در ارتباط با پژوهش حاضر یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که توزیع بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل بین دهک‌های مختلف درآمدی نابرابر می‌باشد. در حقیقت افرادی که در دهک‌های مرفه جامعه قرار دارند امکان ادامه‌ی تحصیل برای این گروه فراهم بوده لذا زمینه‌ی دستیابی به سطوح بالاتر برای این گروه فراهم می‌باشد. بررسی‌های شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز نشان می‌دهد که توزیع بهره‌مندی از آموزش عالی بین دهک‌های مختلف درآمدی طی سال‌های ۸۹-۸۰ نابرابر می‌باشد.

بنابراین بر اساس داده‌های حاصل از شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز بهره‌مندی از آموزش عالی می‌توان به این نتیجه رسید که وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی دهک‌های پایین جامعه نسبت به اقشار مرفه جامعه پایین‌تر می‌باشد. نتایج این یافته با یافته‌های تورکینوا (۲۰۱۱)، نیکولز (۲۰۱۱)، داردن (۲۰۱۲) و گرین وی (۲۰۰۴) همخوانی دارد. پژوهش‌های مذکور نشان داده‌اند که والدین تحصیل کرده‌ای

دارند و وضعیت اقتصادی بهتری نسبت به همسالان خود دارند نسبت ثبت‌نامشان در دوره‌های تحصیلات تکمیلی بیشتر از دانشجویانی است که متعلق به منشأ اجتماعی و اقتصادی پایینی می‌باشند.

پژوهش حاضر نشان داده است که موقعیت اقتصادی خانوارها در تعیین وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی افراد نقش مؤثری دارد. در واقع احتمال سرمایه‌گذاری در آموزش عالی برای خانوارهای مرفه بیشتر از اقشار کم‌درآمد استان اردبیل می‌باشد. سطح درآمد خانوارها در تأمین وجوه موردنیاز برای ادامه‌ی تحصیل فرزندان نقش مهمی دارد. افرادی که در خانوارهای مرفه قرار دارند امکان ادامه‌ی تحصیل در دوره‌ی روزانه، شبانه، غیرانتفاعی و ... برایشان فراهم می‌باشد و هیچ محدودیتی از لحاظ مالی برای این افراد وجود ندارد؛ در نتیجه بیشتر به ادامه‌ی تحصیل و تثبیت موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود می‌اندیشند.

نابرابری در بهره‌مندی از آموزش عالی بر اساس دهک‌های درآمدی که افراد در آن قرار دارند یکی از دلایل نابرابری است. در ارتباط با پژوهش حاضر یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است میزان بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل از سال ۸۰ تا سال ۸۹ بهبود پیدا کرده است. از سال ۸۰ تا سال ۸۹ میزان نابرابری آموزش عالی در بین شهروندان استان اردبیل کاسته شده است ولی همچنان وضعیت بهره‌مندی اقشار مرفه جامعه بهتر از اقشار کم‌درآمد جامعه می‌باشد.

نتایج این یافته با یافته‌های بینادشی (۲۰۰۲) همخوانی دارد. پژوهش مذکور نشان داده است که خانواده‌هایی که دارای وضعیت اقتصادی بهتری هستند بیشتر از اقشار کم‌درآمد فرزندان را برای حضور در آموزش آماده می‌کنند. در پژوهش حاضر بر اساس داده‌های حاصل از شاخص ضریب جینی و منحنی لرنز دو متغیر توزیع درآمد و بهره‌مندی از آموزش عالی می‌توان به این نتیجه رسید که وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی دهک‌های پایین جامعه نسبت به اقشار مرفه جامعه پایین‌تر می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد وضعیت نابرابری بهره‌مندی از آموزش عالی از سال ۸۰ تا سال ۸۹ کاهش پیدا کرده است ولی هم‌چنان نابرابری نسبی در وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل وجود دارد. از جمله دلایل کاهش نابرابری در وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی در سال‌های مذکور می‌توان به توجه دولت به اقشار کم‌درآمد استان و زمینه‌سازی شرایط و امکانات لازم برای ادامه‌ی تحصیل در سطح آموزش عالی برای اقشار کم‌درآمد اشاره کرد. از جمله دلایل احتمالی می‌توان به تلاش اقشار کم‌درآمد به منظور دستیابی به موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتر از طریق ادامه‌ی تحصیل اشاره کرد. چراکه آموزش در جامعه به‌عنوان وسیله‌ای برای قشر بندی افراد به حساب می‌آید؛ به عبارت دیگر آموزش به‌طور و آموزش عالی به‌طور خاص ابزار تعدیل‌کننده توزیع درآمد است. اکثر افراد در طبقات پایین اقتصادی به دنبال این هستند که به‌واسطه‌ی ورود به دانشگاه و اخذ مدرک دانشگاهی از نظر شغلی در جامعه جایگاه جدیدی به دست بیاورند. از جمله دلایل بهبود وضعیت بهره‌مندی از آموزش عالی در بین اقشار کم‌درآمد می‌توان به نقش آموزش در دستیابی به منزلت اجتماعی اشاره کرد. مزایا و منزلت اجتماعی که از عناوین و مدارک تحصیلی دانشگاهی عاید افراد می‌شود، به حدی است که از انگیزه‌های مادی پایین، ارزش رقابت در دستیابی به آموزش عالی بالا است.

توزیع درآمد یکی از عوامل پیش‌بینی‌کننده‌ی بهره‌مندی آموزشی محسوب می‌شود. در ارتباط با پژوهش حاضر یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که بین توزیع درآمد با وضعیت بهره‌مندی آموزش عالی شهروندان استان اردبیل رابطه‌ی مستقیم معناداری وجود دارد. در پژوهش حاضر نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین توزیع درآمد و بهره‌مندی از آموزش عالی و توزیع هزینه‌ی شهروندان استان اردبیل با بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان در سطح ۰/۰۱ رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر بین توزیع درآمد و توزیع هزینه با بهره‌مندی از آموزش عالی شهروندان استان اردبیل رابطه‌ی مستقیم وجود دارد؛ نتایج این یافته با یافته‌های فیلد (۱۹۷۵)، هانسن (۱۹۷۰) همخوانی دارد. پژوهش‌های مذکور نشان داده است که افرادی که دارای تحصیلات بالاتر می‌باشند وضعیت درآمدی بهتری نسبت به سایر افراد دارند. پژوهش حاضر نشان داد افرادی که دارای درآمد بالاتر می‌باشند و جزء اقشار مرفه جامعه محسوب می‌شوند و میزان بیشتری از درآمد خالص را به خود اختصاص داده‌اند وضعیت بهره‌مندی آموزشی بهتری نسبت به اقشار ضعیف جامعه دارند. در واقع افرادی که در دهک‌های مرفه جامعه قرار دارند امکان برخورداری از امکانات آموزشی برایشان فراهم می‌باشد و همین امر زمینه‌ی بهره‌مندی از آموزش عالی را برایشان فراهم می‌سازد.

درواقع نبود درآمد کافی در خانوار باعث می‌شود که شرایط و محیط شناختی فرد را چنان متأثر کند که فرد در سنین متناظر تحصیلات دانشگاهی توانمندی کمتر و انتظارات پایین‌تر و درنهایت آمادگی کمتری برای ورود به دوره‌های آموزش عالی داشته باشد.

منابع

- بازرگان، عباس. (۱۳۷۳). برابری فرصت‌ها در آموزش عالی: تصویری از دانشگاه تهران. مجله‌ی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ش ۵۳.
- حسینی، مریم؛ نجفی، عباس. (۱۳۸۸). توزیع درآمد در مناطق روستایی و شهری ایران (۱۳۸۶-۱۳۶۳). مجله‌ی تحقیقات اقتصاد کشاورزی، جلد ۱، ش ۳.
- دهقان، حسین؛ پرتو، مسلم. (۱۳۸۳). آموزش و پرورش و توسعه، تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت با همکاری مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- دهقانی، علی؛ رحیمی، علیرضا؛ محمدی، داود. (۱۳۸۸). اقتصاد آموزش و پرورش، چاپ دوم، تهران: نشر آبیژن.
- روشن، احمد رضا. (۱۳۸۷). توزیع فرصت‌های ورود به دانشگاه‌های دولتی ایران. فصلنامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران، سال اول، ش ۴.
- ژان توما. (۱۹۹۰). درون جهان سوم، ترجمه‌ی نظری، محمد. (۱۳۷۰). تهران: انتشارات فاطمی.
- کومبز، فیلیپ. (۱۳۷۳). بحران جهانی آموزش و پرورش، ترجمه‌ی آل آقا، فریده. (۱۳۷۳). تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کاظمی، مهدی؛ زمانیان، غلامرضا. (۱۳۸۴). تحلیلی از وضعیت توزیع درآمد در مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان. مجله‌ی جغرافیا و توسعه، ش ۵.
- گرب، ادوارد جی. (۱۳۷۳). نابرابری‌های اجتماعی و توسعه، ترجمه‌ی سیاهپوش، محمد، غروری، احمدرضا. (۱۳۷۳). تهران: نشر معاصر.
- سرخ، اسماعیل. (۱۳۸۱). نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی دوره‌ی ابتدایی استان آذربایجان غربی) در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰. فصلنامه‌ی تعلیم و تربیت، ش ۹۱.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگاه.
- عبدوس، میترا. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر در فرصت‌های آموزش نابرابر بین دختران و پسران، خلاصه مقالات مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش، تهران: پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت.
- عباسی، محمد. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت نابرابری آموزشی و عوامل مرتبط با آن در بین دانش آموزان مقطع متوسطه‌ی شهرستان بزم در سال تحصیلی ۸۵-۸۴. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۰). آموزش و توزیع درآمدها. مجله‌ی روانشناسی و علوم تربیتی، سال ششم، ش ۱.
- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۱). مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۶). اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان: انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
- عمرانی، لیلی. (۱۳۸۵). توزیع درآمد در اقتصادهای در حال گذر. نشریه‌ی بررسی‌های بازرگانی، ش ۱۵۶.
- فیوضات، یحیی. (۱۳۸۰). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: نشر امیرکبیر.
- فرجادی، غلامعلی. (۱۳۶۱). عملکرد بخش آموزش و پرورش تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- فراست خواه، مقصود. (۱۳۸۷). بررسی چگونگی ارتقای کمی و کیفی دسترسی به آموزش عالی در ایران. مجله‌ی آموزش عالی ایران، سال اول، ش ۲.
- قارون، معصومه. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی خانوار بر تقاضای ورود به آموزش عالی. فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ش ۴۰.
- نادری، ابوالقاسم. (۱۳۸۳). اقتصاد آموزش، تهران: نشر یسپرون
- Benadusi, L. (2001). Equity and education. *A critical review of sociological research and thought. En: HUTMACHER, Walo*, 25-64.
- Darden, E. C., & Cavendish, E. (2012). Achieving Resource Equity Within a Single School District Erasing the Opportunity Gap By Examining School Board Decisions. *Education and Urban Society*, 44(1), 61-82.
- Fields, G. S. (1975). Higher education and income distribution in a less developed country. *Oxford Economic Papers*, 27(2), 245-259.
- Hansen, W. L. (1970). Income distribution effects of higher education. *The American Economic Review*, 60(2), 335-340.
- Greenaway, D., & Haynes, M. (2003). Funding Higher Education in the UK: The Role of Fees and Loans*. *The Economic Journal*, 113(485), F150-F166.
- Nichols, A. H. (2011). Developing 20/20 Vision on the 2020 Degree Attainment Goal: The Threat of Income-Based Inequality in Education. *Pell Institute for the Study of Opportunity in Higher Education*

- Turčínková, J. & Stávková, J. (2012). Does the Attained Level of Education Affect the Income Situation of Households? *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 55, 1036-1042.

